روش اثبات سماع در قرائت در مقابل اجتهاد در قرائت

برای مقابل این معنا رساله‌هایی نوشته شده. در اینکه شواهدی بیاورند تا نشان بدهند مقرین اجتهاد می‌کردند. خب قبلاً هم عرض کردم که باید بررسی کنیم. شواهدی دارند. باید تک‌تک آن‌ها را بررسی کنیم. ولی فعلاً فضای اقراء این بوده. اینکه حالا یک مورد نشان بدهیم که اجتهاد کرده مانعی ندارد. باید منصفانه هر موردی را ببینیم. این شواهد که نشان داده می‌شود نقض کلی می‌کند. البته اگر سر برسد. بعضی شواهد را می‌آورند که اصلاً مقصود را نمی‌رساند. آن حرف دیگری است. اما شواهدی که مقصودشان را درست برساند، خروجی‌اش این است: مثلاً در قرائات سبع یک مورد پیدا کردیم که متواتر نبود. پس تواتر قرائات سبع به نحو کلی شکست. اما به این معنا نیست که کل قرائات متواتر هم کلاً زیر سؤال برود. در موارد نقض این مهم است.

لذا از چیزهایی که در جاهای دیگر ندیده‌ام و روی آن تأکید کرده‌ام چیزی بود که اسم آن را مفاتح المفاتیح گذاشته‌ام. برای این است که ما از این طرف کار می‌کنیم. یعنی دقیقاً روی یک مورد چنان بحث می‌کنیم که مسأله تعدد قرائت و تعدد نزول بر آن متفرع می‌شود یا نه. اگر ما توانستیم یک مورد پیدا کنیم که مسأله تعدد قرائت در آن صاف شود، باز آن کلی‌ای که شما می‌گویید تعدد موضوعیت ندارد، تمام است. این از نظر بحث کلاسی خیلی اهمیت دارد؛ یعنی ما برای نقض یک مورد پیدا کنیم که مطلب شما با آن سازگار نباشد.

شاگرد: من هم برخی از موارد را پیدا کردم که اجتهادی بود. اما در ذهن من نتیجه عکس می‌دهد. یعنی اگر همه قرائات اجتهادی بود باید فراوان می‌بود. نه اینکه در یک جا-دو جا باشد. از این موارد محدود به دست می‌آید که روال درست بر عکس آن می‌باشد.

استاد: بله، اگر در ذیل فرمایش شیخ در تبیان برسیم مفصل عرض می‌کنم. مطالب خوبی در آن جا هست؛ تازگی هم به آن رسیده‌ام؛ برای خود من هم جالب بود.

بازبینی #3
ایجاد شده 14 آوریل 2024 13:19:06 توسط ... .
به روزرسانی شده 22 مه 2024 16:41:34 توسط ... .